

بحران تحصیلی بازار بر آرزانتین

شون هیل

مهر داد میر دامادی

تأمین پرورش و حیاموی آرزانتین - که انتصاب عمومی انجمن‌های کاری بر سینه بودجه‌ی عظیمانه منجر به معضرات روزانه پرورش و تصرف کاغذ ریاست جمهوری، فریب از روی استیصال ساکن آن موقع کاغذ با هلیکوپتر و جانشینی پنج رئیس جمهور در یک هفته شد - نتیجه‌ی نیرویی بود که مقاومت در برابر آن ممکن نبود مودعی که سرشار از لیزر شده بود در برابر مانع قرار گرفته بودند که عضو از آن (شاهرا) غیر ممکن می‌نمود. پستی مانع عظیم اقتصاد جهانی.

آنچه شورش و ملتیان عمومی را به همراه داشت اقتصاد ساقط شعاعی بود که چهار سال رکود را که پایانی برای آن متصور نبود. پشت سر گذاشته بود و چشم‌اندازی جز فلاکت بیشتر برای آن دیده نمی‌شد.

اما اقتصاد آرزانتین زیر بار سنگینی خود را نتواند نگه‌دارد بود. بلکه باید گفت که زانوهای آن هدف قرار گرفته بود و تفسیر آن در اصل به گردن کسانی بود که هزاران مایل دورتر از کاغذ ریاست جمهوری آرزانتین قرار داشتند. یعنی اقتصاددانان و سیاستمداران در واشنگتن و سواگردان اروپای بهادر در نیویورک.

در زمانی نه چندان دور، آرزانتین یکی از اقتصادهای مجرب‌گره آسیا و آمریکای لاتین بود و در کابین دسک‌هایی بازارهای در حال ظهور قرار داشت. به نظر می‌رسید که این کشور دوراً حد نوبت افسارگسیخته‌ی ۱۹۸۱ را که در آن کارگران حقوق خود را با جرح‌دستی به خانه می‌بردند، پشت سر گذاشته باشد.

در ۱۹۹۱، رئیس‌جمهور وقت، کارلوس مند، با صندوق بین‌المللی پول به توافق چندین میلیارد دلاری دست یافت.

صندوق بین‌المللی پول که ملو آن در واشنگتن است از برنامه‌ای که منجر به از بین بردن نوبت افسارگسیخته می‌شد حمایت می‌کرد. این برنامه هیتی را معرفی کرد که سرپرستی پول در گردش را بر عهده داشت و متوقف بود که نرخ برابری یک دلار در مقابل یک پیزو را ثابت نگه‌دارد.

در مقابل، دولت آرزانتین برنامه‌ی اقتصادی را پیش می‌گرفت که در برگیرنده‌ی گسترده‌ترین خصوصی‌سازی در آمریکای لاتین بود. درهای سرمایه‌های کشور را می‌گشود و اجازه می‌داد که جریان آزاد سرمایه به کشور وارد و از آن خارج شود و تلاش حقیقت‌آمیزی برای متعادل نگه داشتن بودجه‌ی دولت به خرج می‌داد.

این برنامه متعادل به طور رسمی موفق بود. از اوایل تا نیمه‌ی دهه ۱۹۹۰ آرزانتین مقصد سرمایه‌های عظیم خارجی شد. شرکت‌های خارجی به خصوص اسپانیایی، ژاپنی‌های جدیداً خصوصی‌شده و بانک‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، را خریداری کردند و باعث شدند که ارزش سهام و اوراق قرضه‌ی آرزانتین به شدت بالا برود.

با این همه مقام بالای آرزانتین در بازارهای سرمایه بهای خاص خود را به همراه داشت. لول‌نگه برای نشان دادن نرخ ثابت ارز، دولت آرزانتین باید جهان را متقاعد می‌کرد که به واقع پیزو ارزشی هم به‌بایه‌ی دلار دارد. این به معنی داشتن ذخیره‌ی نسبی از دلار و در نتیجه به معنی گرفتن وام بود.

بخش عظیمی از بدهی کس ۱۳۲ میلیارد دلاری آرزانتین به صورت وام از صندوق بین‌المللی پول یا قرض‌گیری مستقیم از بازارهای اوراق بهادار بین‌المللی، برای پر کردن خزانه از دلارهای آمریکایی بود.

دوم آنکه اگرچه ثابت نگه داشتن نرخ ارز باعث پایان یافتن نوبت افسارگسیخته شد، اما باعث از بین رفتن توان دولت آرزانتین برای پی‌ریزی سیاست‌های مالی خاص خود نیز شد. یعنی نرخ بهره در آرزانتین هم‌اکنون است که خزانه‌داری ایالات متحده در مورد دلار آمریکا اعمال می‌کرد.

این امر به خودی خود امر مطلوبی بود به شرط آنکه اقتصاد در وضعیت خوب و خوب‌تر قرار می‌گرفت. اما این امر امکان‌پذیر نبود و نتد

در سال‌های ۹۸-۱۹۹۷ چشم‌انداز بازارهای در حال ظهور، نیرو و آثار شد. پول رایج تا بلند، اندوختنی، کرد چوبی، مازری، روسیه و برزیل مانند مینه‌های اسکیترا^(۱) فرو ریخت. به تاکنان بازارهای سرمایه‌ی غرب که زمانی به این پول‌ها علاقه داشتند دیگر به کار علاقه خود را از دست دادند.

مانند بسیاری از بازارهای در حال ظهور، جریان‌های مالی به سمت آرزانتین متوقف شد. تقاضای پرداخت وادهدندگان افزایش یافت و اقتصاد کشور دستخوش رکود شد.

در ژان ۱۹۹۹ زمان تصمیم‌گیری فرا رسید. کارلوس مند، رئیس‌جمهوری پروتسینه، جای خود را به رئیس‌جمهوری از حزب رادیکال، یعنی فرانسو دلا رونا داد و این زمان می‌توانست زمان تغییر در رو به‌ها باشد.

اما صندوق بین‌المللی پول اجازه‌ی چنین کاری را نمی‌داد. در عوض صندوق بین‌المللی پول اصرار داشت که دلارها تحت هر شرایطی باید به کار انجام دهند. نرخ تثبیت شده، ارز با ثابت نگه‌دارد و از گاست شدن آن جلوگیری کند. طلب وادهدندگان را پرداخت کند و برای تأمین پول آن، بدهجه با متعادل کرده و سیاست‌های ریاست اقتصادی را اعمال کند.

مدین توریب صندوق بین‌المللی پول اطمینان حاصل کرد که آرزانتین از رکود خارج نخواهد شد.

برخلاف کشور حساب‌باز بوزلی، که ارزش پول خود را کاهش داد و دست‌برچ آن را بهبود بخشید، ارزش بیش از حد پول آرزانتین به معنی آن بود که کالاها و خدمات این کشور قابلیت رقابت خود را در خارج از کشور از دست بدهد و از این رو در حال سستی - خروج از بحران با صارتات - عملاً غیر ممکن شد.

علاوه بر این، در فروردین رکود سالگانه نوین کار از جانب بانک مرکزی پائین آمد. نرخ بهره برای تسهیل سرمایه‌گذاری است. اما پیروی آرزانتین به دلار آمریکا پیوند پیوند بود و این کشور قادر به انجام چنین کاری نبود. نرخ بهره توسط خزانه‌داری آمریکا تعیین می‌شد و در ۱۹۹۹ در نوع روال اقتصادی آمریکا، نرخ بهره

نه در حال کاهش که رو به افزایش داشت. در همین حال اقدامات مستی بر ریاست اقتصادی باعث کاهش تقاضای داخلی و نه



افزایش آن شده بود

اما صندوق بین‌المللی پول به بهبود اقتصادی توجه چندانی نداشت. بلکه در پی آن بود که منابع سرمایه‌گذاران خارجی را تأمین کند.
هراس از مذاکره مجدد بر سر بازگرداندن پول، با حشر دید کرد در مذاکره به وضع مشهود بود. این امر نه تنها باعث افت شدید قیمت دلار برای سوداگران و آل استریت می‌شد، بلکه امکان داشت دیگر کشورهای شدیداً مفروض را نیز تسویه کند که آنان نیز چنین سبیری را بیامایند.
صندوق بین‌المللی پول با کاهش ارزش پول نیز مخالف بود، و نگران بود که فشارهای مردمی باعث شود که دولت برای حمایت از کارگران و طبقه متوسط در برابر کاهش ارزش پول نوعی کنترل سرمایه یا بی‌نکود و بانک‌ها و صنایع را تحت کنترل درآورد. این دقیقاً همان کاری است که دولت اوزارنو دول‌الده مسئول انبار می‌باشد.

تتها راه طی

صندوق بین‌المللی پول در ۱۹۹۹ و صبر در زمان پرداخت پول جدید در دسامبر ۲۰۰۰ ارائه داد سیاست ریاضت اقتصادی بود که در هر دوره سختگیرانه‌تر می‌شد. کارمندان دولت حقوق شان ۱۳٪ کاهش می‌یافتند. نظام پرداخت حقیقی بازکنشی محدودتر می‌شد. سرمایه‌های و هزینه کردن در استان‌ها نیز قطع می‌شد.
روشن است که این برنامه مقبول مردم نبود. پس از شکست کامل حزب رئیس جمهور در انتخابات پارلمانی اکتبر، وی اعلام داشت که در موارد پرداخت اقساط پول‌ها با دارندگان خارجی اوراق بهادار، در مورد پرداخت سود توافقی چندینی حاصل خواهد شد. ولی استریت از این تصمیم خشمگین شد و این اقدام را در حکم عدم پرداخت تلقی کرد.

زمانی که وزیر اقتصاد آرژانتین، دومینگو گساولو به ایالات متحده رفت تا با وزیر خزانه‌داری و مقامات صندوق بین‌المللی پول برای جلب حمایت آنان از برنامه‌ی شروط جدید بازپرداخت، مذاکره کند پاسخ ندادند که از

کردن آن پیش از این تمسک گرفته بودند که از بانکداران حمایت کنند. در ۵ دسامبر صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد که به نشانه‌ی

ناخودمختی از برنامه‌ی دولت آرژانتین پرداخت

بخشی از وام خود را متوقف خواهد کرد.
فشار به دولت آرژانتین به مرحله‌ی تعیین کنندگی رسیده بود. از یک طرف صندوق بین‌المللی پول و آل استریت اعمال سیاست‌های ریاضت اقتصادی و پرداخت به معوقه کامل را خواستار بودند. از طرف دیگر جمعیت خروشان و ناراضی از تمکین در برابر ریاضت بیشتر اقتصادی سر باز می‌زدند.
دلاریا قادر به ادامه‌ی کار نبود، و ادامه نداد. وی در ۲۰ دسامبر استعفا داد. دولت جدید ارزش پول را کاهش داد و برای مذاکره در جهت شرایط بازپرداخت و عدم بازپرداخت بخش اعظمی از بدهی ۱۳۲ میلیارد دلاری، اگر نگویند تمام آنها، پای مفت کرد و اصرار ورزید.

بحران آرژانتین چیزی جز یک بحران در رشته بحران‌های لاینقطع دهه‌های در حال

ظهور نیست، و چنانچه صندوق بین‌المللی پول رویه‌ی خود را تغییر ندهد این بحران آخر نخواهد بود (تورکیه اکنون در حال کشمکش و تقلا است).

اما بر خلاف بحران‌های سال‌های

۹۸-۱۹۹۷ که تا حد بسیار زیادی نتیجه‌ی پیش‌بینی ناپذیرانه‌ی بازارهای سرمایه و شکست سیاست «بهبود صندوق بین‌المللی پول بود، فرایند آرژانتین در آن زمان نه تنها قابل پیش‌بینی که حتی قابل برنامه‌ریزی بازار

که به واسطه‌ی شیوه و روش بازار به وجود آمد - و به واقع ویرانگر و باور آن مشکل بود. اما صندوق بین‌المللی پول مجرم اصلی آن نبود. این

بانک‌های غربی بودند که در حدود ۲۰٪ بدهی آرژانتین را به خود اختصاص داده بودند.

حکایت بازارهای در حال ظهور در

دهه‌ی ۱۹۹۰ حکایت ظهور آنان در رقابتی

بزرگ بود. هر چند اکثر کشورهای جهان سوم

اجازه‌ی ورود به بازارهای بین‌المللی سرمایه را

نقارند، و کاملاً به صندوق بین‌المللی پول و دیگر

نهادهای چندجانبه‌ی سرمایه‌گذاری متکی

هستند. اما کشورهای نظیر آرژانتین، کره جنوبی

و مکزیک اجازه‌ی ورود پیدا کردند.

هر چه مقدار پول سرمایه‌گذاری شده در

این کشورها غیرقابل باور بود. اما بهایی نیز که

اینان پرداختند به طور طاقت‌فرسایی بالا بود.

بازارهای اوراق بهادار بسیار سختگیرانه‌تر از صندوق بین‌المللی پول عمل می‌کردند.

سوداگران اوراق بهادار که از روند سیاست ریاضت اقتصادی در آرژانتین ناراضی بودند مانند صندوق بین‌المللی پول هیأت‌های مذاکره کنندگی برای تهدید دولت اعزام نکردند آنچه آنان انجام دادند صرفاً اضافه نمودن بهره بر پول فنان اصلی وام بود.

به نظر مثال در ۱۱ ژوئن آنان کار مسئول

صندوق ۹۶ روزه اسناد خزانه به مبلغ ۸۵۰ میلیون

دلار را به قاچمعی تبدیل کرده و تقاضای ۱۴

درصد بهره کردند. رقمی که دو هفته پیشتر ۹٪

بود. دولت سوچیه پیام آنان نشد و سیاست‌های

ریاضت کننده‌ی سخت‌تری را به مورد اجرا

گذاشت.

بحران آرژانتین نشان داده است که فشار رو

به تزاید و مستقیم بازارهای بین‌المللی اوراق

بهادار تلاش دارد تا مشاها را تسلیم خواست

خود کند. حتی اگر این امر به بهای بحران‌های

و مشتاک اجتماعی و اقتصادی تمام شود. این

به مفهوم خبر بدی برای مردم جهان است.

اما خبر خوب آن است که بحران آرژانتین

چیز جدیدی را نیز نشان داده است، و آن این

است که سرمایه‌ی جهانی ثابت کرده که در

مواجهه با شورش‌ها و اعتراضات مردمی،

انجمن که فکر می‌کند تسوؤل‌ناپذیر و بی‌ای

برجای نیست.

پانزدهم:

۱- اسکاتلند از این است که با ته میله و یک

کوی چوبی انجام می‌شود. میله‌ها بر روی زمین

کاشته شده و با گوی هدف قرار می‌گیرند.